



سخنرانی های همگانی پاپ فرانسوا

مردمان خداوند یعنی چه؟

خواهران و برادران گرامی صبح به خیر!

امروز مایلم بر عبارتی که شورای دوم واتیکان، کلیسا را با آن تعریف کرده است درنگ کنم: "مردمان خداوند". و این کار را با چندین پرسش برای تعمق هر یک از شما انجام می دهم.

۱). "مردمان خداوند" به چه معنی است؟ پیش از هر چیز به این معنی است که خداوند به شکل ویژه ای از آن هیچ مردمی نیست؛ چرا که اوست که ما را صدا می زند، ما را فرا می خواند، دعوتمان می کند تا بخشی از مردم او باشیم و این دعوت خطاب به همه است، بدون برتری دادن، چراکه رحمت خداوند " می خواهد که همه نجات یابند" (اول تیم ۲ : ۴). عیسی به رسولان یا به ما نگفته است که گروهی انحصاری، گروهی از نخبگان بسازیم. عیسی می گوید: "بیرون بروید و تمامی مردمان را شاگرد سازید" (مت ۲۸ : ۱۹). پولس قدیس می گوید که در مردمان خداوند، در کلیسا، " نه یهود هست و نه یونانی ... چراکه شما همه در مسیح عیسی یکی هستید" (غلا ۳ : ۲۸). همچنین مایلم به هر کس که از خدا و کلیسا احساس دوری می کند، به هر کس که کمرو و بی تفاوت است، به آنانی که فکر می کنند دیگر نمی توانند تغییر کنند بگویم: خداوند شما را هم فرا می خواند تا بخشی از مردمش باشید و این کار را با عشق و احترامی عظیم می کند! او ما را دعوت می کند تا بخشی از این مردم باشیم، مردمان خداوند!

۲). چطور یک فرد عضو این مردم می شود؟ نه از راه زاده شدنی جسمانی بلکه از راه زادنی نو. در انجیل، عیسی به نیکو قدیموس می گوید که او برای ورود به پادشاهی خدا باید از بالا زاده شود، از آب و روح (یو ۳ : ۳-۵). از راه تعمید است که ما به این مردم معرفی می شویم، از راه ایمان به مسیح، یعنی هدیه ای از سوی خداوند که باید تغذیه شده، در زندگی پرورش یابد. بیایید از خود بپرسیم: من چطور ایمانی را که در تعمید یافته ام رشد می دهم؟ من چطور ایمانی را که دریافت کرده ام و از آن مردم خدا است را رشد می دهم؟

۳). پرسشی دیگر: قانون مردم خدا چیست؟ این قانون، قانون محبت است، محبت کردن خدا و محبت کردن همسایه، همساز با فرمان نوینی که خداوند به ما سپرده است. (یو ۱۳ : ۳۴). به هر روی، این یک عشق است، که احساساتی گری بی ثمر یا چیزی مبهم نیست، بلکه بازشناسی خداوند است به عنوان یکتا خدای زندگی و هم زمان، پذیرش دیگری به عنوان برادر راستین من است، با غلبه بر شاخه شاخه شدن، هم چشمی، کج فهمی، خودخواهی؛ و این دو (محبت خدا و همسایه) با هم اند. آه که چه راهی در پیش است تا زیستن بر اساس این قانون تازه را دستور کار خود کنیم - قانون روح القدس که در ما کار می کند، قانون نیکی، عشق! با نگاهی به روزنامه ها و تلویزیون ها، جدال های بسیار بین مسیحیان می بینیم: چرا چنین است؟ میان مردم خدا این همه جدال! چه بسا جدل هایی از سر رشک و حسد، در محله یا سر کار به پا شده! حتی در خود خانواده جنگ های داخلی بسیار هست! باید از خدا بخواهیم ما را یاری کند تا معنای این قانون محبت را به درستی درک کنیم. چقدر دوست داشتن یکدیگر به عنوان خواهران و برادران راستین زیباست. چه زیباست! بیاید امروز کاری بکنیم. همه ی ما خوش آیندها و بدآیندهایی داریم؛ بسیاری از ما احتمالاً از کسی خشمگین ایم؛ پس به خداوند بگوییم: خداوندنا من از این یا آن

فرد خشمگینیم: برای او پیش تو دعا می کنم. نیایش برای آنانکه از ایشان خشمگین ایم گامی است زیبا به سوی قانون خداوند. آیا این گام را برداریم؟ بیایید امروز این گام را برداریم!

۴). مأموریت این مردم چیست؟ آوردن امید و رستگاری خداوند به جهان: تا نشانه ای باشد از محبت خدا که همه را به دوستی خود فرا می خواند؛ تا خمیرمایه ای باشد که خمیر را ور بیاورد، نمکی که مزه بدهد و از فساد پیشگیری کند، نوری باشد که روشن کند. دور و برمان را نگاه کنیم - همانطور که گفتم کافی است روزنامه ای را باز کنیم - حضور شر را می بینیم، شیطان کار می کند. به هر روی می خواهیم بلند بگویم: خداوند قوی تر است! آیا باور دارید که خداوند قوی تر است؟ بیایید با هم بگوییم، بیایید همه با هم بگوییم: خداوند قوی تر است! و آیا شما می دانید چرا او قوی تر است؟ چون او خداوند است، تنها خدا. و مایلم این را بیافزاییم، واقعیتی که در زمانهایی با شر، تاریک و نشانه گذاری شده، می تواند تغییر کند، اگر نخست ما روشنایی انجیل را به ویژه به زندگی هایمان بیاوریم. اگر در یک ورزشگاه - برای نمونه استادیوم المپیک در رم یا استادیوم سن لورنزو در بوینوس آیرس - در یک شب تاریک اگر کسی چراغی روشن کند شما به زحمت آن را می بینید اما اگر بقیه ۷۰۰۰۰ نفر تماشاچیان چراغهای خودشان را روشن کنند تمام استادیوم خواهد درخشید. بگذاریم زندگی هامان با هم نور یگانه مسیح باشد؛ ما نور انجیل را با هم به سوی همه واقعیت خواهیم برد.

۵). مقصد این مردمان کجاست؟ مقصد ما پادشاهی خداست که خود خداوند آن را بر روی زمین آغاز کرده است و باید تا برآورده شدنش گسترش پیدا کند، تا آن هنگام که مسیح، زندگی ما، پدیدار خواهد شد. بنابر این، غایت، یگانگی کامل با خداوند است، آشنایی با خداوند، ورود به زندگی ایزدی خود او، جایی که ما در شادی محبت بی اندازه ی او خواهیم زیست، یک شادی کامل.

خواهران و برادران گرامی، کلیسا بودن، مردم خدا بودن، در هماهنگی با طرح عظیم عشق پدر، یعنی در این انسانیت ما، خمیرمایه خدا بودن. یعنی اعلام کردن و آوردن رستگاری خداوند برای جهانی که اغلب به گمراهی کشیده شده، جهانی که نیازمند پاسخهایی است که دلیری، امید و شور و شوقی تازه برای سفر ببخشند. باشد که کلیسا مکان رحمت و امید خدا باشد، که همگان در آن احساس پذیرفته شدن، دوست داشته شدن، بخشیده شدن، و شجاعت برای زندگی داشته باشند؛ زندگی ای هماهنگ با زندگی نیکوی انجیل. و برای اینکه دیگران احساس پذیرفته شدن، دوست داشته شدن و شجاعت داشته باشند، کلیسا باید درهایی گشوده داشته باشد تا همگان بتوانند وارد شوند. و ما باید از این درها بیرون برویم و انجیل را اعلام کنیم.

۱۲ ژوئن ۲۰۱۳

میدان سنت پیتر